

پاسخ به سئوال شما

آیا مبارزه با فساد با آزادی

بشر منافات دارد!

بازداشتن آنان از کارهای زشت ، و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است .
پیش از همه باید دید که آیا اجراء این دواصل در اجتماع که افراد آن معمولاً همه باهم همبستگی کامل دارند، و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد، به سود جامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجراء چنین اصلی به نفع اجتماع باشد ، باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن ، از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوبه این اصل محدود ساخت .

شیوه زندگی انسان در اعصار کهن ، زندگی انفرادی بود، نه دستجمعی بدین معنی که غالب افراد بشر به طور فردی و تنها و دور از هم زندگی می کردند، و اگر گاهی به پیش می نهادند، درون غارها و شکاف کوهها و داخل جنگلها به صورت اجتماعات بسیار کوچک ، زندگی می نمودند ، و تقریباً همبستگی و

سؤال : یکی از خوانندگان گرامی سؤال می کند : از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده ، و دست او را در انتخاب راه و شیوه زندگی ، کاملاً باز گذارده است ، با در نظر گرفتن چنین اصلی چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند و از کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجراء دواصل امر به معروف و نهی از منکر ، مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟

گذشته از این ، اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند، نظامات اجتماعی دچار اختلال و هرج و مرج نمی شود ؟ .

پاسخ :

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دورگن بزرگ اجتماعی اسلام به شمار می روند ، همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و

انحرافهای اخلاقی ، بسان بیماری‌های واگیر دارااست که خواه ناخواه دامن دیگران را نیز می‌گیرد ، هرگاه میکرب « التور » در نقطه‌ای پیدا شد فوراً باید مبارزه بی‌گیری برضد آن آغاز نمود ، و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت همه کشور و بسا کشورها را فرا می‌گیرد .

همچنین انحراف اخلاقی واجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی ؛ بسان بیماری جسمی ، برق‌آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می‌گیرد .

فرض کنید يك نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد ، و پای افرادی «لاابالی» به آنجا باز شود ، آيا می‌توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه ، که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند ، مصون و پاک بمانند ، یا اینکه آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت ، به آن نقطه کشیده می‌شوند و روز به روز دایره فساد گسترش پیدا کرده ، و بازار آن داغ‌تر می‌گردد .

این جا است که میتوان گفت اجراء پیگیر اصل «مبارزه با انحرافهای اخلاقی واجتماعی» ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی میکنند و سکوت در برابر گناه و مفاسد ، غلط و گناه بزرگ است ، و هرگز نمی‌توان حساب فرد را از حساب جامعه جدا ساخت ، و در حقیقت يك فرد مبارز ، از حقوق خود واجتماعی که در آن زندگی می‌کند دفاع مینماید ، و هرگز نباید اصل

تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی ، بسر اجتماعات آنان حکومت نمی‌کرد .

در این چنین زندگی انفرادی ، که سرنوشت افراد به یکدیگر بستگی ندارد ، و سود و زیان عمل هر فردی ، از وجود خود اوچندان تجاوز نمی‌کند ، مبارزه با فساد و جلوگیری از انحراف ، شاید ضروری به نظر نرسد .

ولی در شیوه زندگی دسته جمعی بسا سرنوشت مشترك ، مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک ، يك وظیفه‌ی خطیر اجتناب ناپذیر است . زیرا در این نوع از زندگی ، همه افراد يك

اجتماع ، به صورت اعضای يك خانواده درمی‌آیند و پیوند وحدت و ارتباط ، آنچنان در میان آنان محکم و استوار می‌گردد ، که هیچ فرد نمی‌تواند برای خود ، حساب جداگانه‌ای باز کند ، و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران مجزا فرض کند . در چنین اجتماعی تمام افراد ، در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاً شریک و سهیم بوده ، و نتیجه عمل يك فرد ، دامنگیر همه افراد می‌شود این جا است که هیچ فردی هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند ، نمی‌تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد ، و خود را از سود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد ، روی همین پیوند و ارتباط است که اگر بر اثر خلفکاری برخی ، ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر دیگر اجتماعی وارد شد ، دود آن به چشم همه رفته ، و همه در برابر آن یکسان خواهند بود .

جامعه ما نیز بسان کشتی است افسراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند آنان در ضرور و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدا نمود .

روش اسلام درباره محترم شمردن آزادی های فردی با روش مکتب های امروز جهان يك تفاوت حقیقی دارد، در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که از ناحیه فرد، ضرری متوجه اجتماع نگردد، و منافع دیگران به خطر نیفتد هر چند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت اولطمه جبران ناپذیر وارد سازد .

ولی در اسلام آزادی فردی، تا آنجا محترم است که نه تنها باید مزاحم دیگران نباشد، و سقوط و آلودگی اجتماع را فراهم نسازد، بلکه باید به سعادت خود و نیز لطمه ای وارد نکند، کاری انجام ندهد که بدبختی خود او را نیز فراهم آورد .

مثلا در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است، و جهان غرب در پرستش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمیکند، ولی اسلام يك چنین عمل را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هر چه بیشتر مانع از انجام چنین اعمال میگردد ۱

امری معروف و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان از کارهای زشت؛ دارای درجات و مراتبی است آنچه مربوط به توده مردم است این است

بقیه در صفحه ۷۴

آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند، و مصالح جامعه را به خطر نیفتد .

قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگی های این کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و میفرماید :

«وَأَتَقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» (۱) : ای مردم از بلاهائی بترسید که هنگامی که فرا میرسد تنها دامنگیر گناهکاران نمی شود بلکه همه را فرا میگیرد .

عین این سؤال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است :

اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیز همراه دارد. هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد ولی او هرگز نمیتواند زیر پوشش «آزادی فردی» بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند و در مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است در صورتیکه يك چنین جواب از این فرد پذیرفته نیست زیرا تنها سلامت خویش را به خطر نمی افکند بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را بسوی نابودی و نیستی سوق میدهد .

کند. اما درجات بالاتر از این، مانند اجرای مجازات و کفرها و حدود الهی درباره افراد گناهکار، باید زیر نظر حکومت اسلامی مانند زمان پیامبر انجام گیرد، و هیچ فرد عادی حق ندارد در اجرای نظارت عمومی پیش خود اقدام به آنها کند.

که با زبان نرم و بیان دلنشین، برادران دینی خود را پندواند رز دهند، و آنانرا از عواقب بدگناه بازدارند، و اگر احتمال تأثیر دهند حتی میتوانند روابط دوستانه خود را با آنان قطع کنند. و این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی-

(بقیه از صفحه ۱۶)

یعنی بانک نمیتواند هر پولی را جداگانه نگهداری نموده و جداگانه به مضاربه بدهد، و حسابش را نیز جداگانه داشته باشد، از این جهت در اول سال از مضاربه دهندگان میخواهند که بهمین اندازه از حق خود چشم پوشی نموده يك بادو ماه را برای مضاربه - پذیرها، به عنوان فرصت و مهلت برای شروع سود کسر نموده اگر واقعاً هم سودی نصیب شده باشد صرف نظر نمایند با این ترتیب هم روح مضاربه حفظ شده است و هم عامل زمان را بکلی نادیده نگرفته ایم

* * *

حسابهای پس انداز!

تا کنون بحث ما پیرامون مضاربه با پولهای بود که به عنوان سپرده ثابت به بانک اسلامی داده میشود، اکنون ببینیم بانک اسلامی میتواند پول هائی که به عنوان پس انداز به بانک داده می شود به مضاربه بدهد یا خیر؟

البته میدانیم تفاوت پول پس انداز با سپرده ثابت این است که سپرده ثابت را صاحبش قبل از مدت

قرارداده شده نمیتواند بگیرد (مگر با شرایطی) ولی پول پس انداز را هر موقع که بخواهد میتواند پس بگیرد ولی بازم بانک میتواند پولهای حساب های پس انداز را نیز به مضاربه بدهد، منتها نه تمام پولها را بلکه درصد معین از آنها را، با این توضیح: درست است که صاحبان حساب پس انداز میتوانند پول خود را در هر وقت بخواهند بگیرند ولی معمولاً این طور نیست که تمام پولها همیشه در تحویل و تحویل باشد، بلکه مقدار معینی از آنها است که در داد و ستد دائمی است بنابراین بانک میتواند مثلاً ده درصد از حسابهای پس انداز را همیشه بصورت نقد نگهداری نموده و ۹۰٪ بقیه را وارد معامله نماید و بهمین نسبت در تقسیم سود به حسابهای پس انداز تا میزان ۹۰٪ سرمایه شان سود بدهد. و اگر احياناً بیش از ۹۰٪ از حسابهای پس انداز را بخواهند مسدود نمایند بانک میتواند از پولهای که به عنوان حساب جاری بطور دائم بدستش میرسد کمک بگیرد.